



ترس و تنهایی

دنیای دمیتری شوستاکوویچ

ویراست دوم

بابک احمدی

ترس و تنهایی

دنیای دمیتری شستاکوویچ

بابک احمدی


طرح جلد: ابراهیم حقیقی

© نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۸۸، شماره‌ی نشر ۱۳۷۷
چاپ اول ویراست دوم، چاپ چهارم ۱۴۰۰، ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۳۸۹-۵

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

www.nashremarkaz.com

Email: info@nash-e-markaz.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه‌ی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوکپی، کتاب الکترونیکی (e-book)، کتاب صوتی (Audio-book) و ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

-
- سرشناسه: احمدی، بابک، ۱۳۳۷ - . عنوان و نام پدیدآور: ترس و تنهایی: دنیای دمیتری شستاکوویچ / بابک احمدی
 - مشخصات ظاهری: چهارده، ۲۹۸ ص. ویراست دوم: عنوان دیگر: دنیای دمیتری شستاکوویچ • موضوع: شستاکوویچ، دمیتری دمیتریویچ، ۱۹۰۶-۱۹۷۵ م. Shostakovich, Dmitrii Dmitrievich: آهنگ‌سازان روس؛ آهنگ‌سازی
 - رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ اقف ۹۳ ش / ML ۴۱۰ / رده‌بندی دیویی: ۷۸۰ / ۹۳۴
 - شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۵۰۳۰۵۸۳

فهرست

پیش‌گفتار نه

بخش اول: زندگی و آثار دمیتری شستاکوویچ ۱

فصل ۱: کودکی و نوجوانی ۳

فصل ۲: جوانی ۱۷

فصل ۳: حکومت ترس ۴۳

فصل ۴: سال‌های جنگ ۷۹

فصل ۵: خودآگاهی و تنهایی ۹۵

فصل ۶: امید علیه امید ۱۳۷

فصل ۷: قدرت مرگ ۱۵۹

بخش دوم: شناخت شستاکوویچ ۱۷۷

فصل ۱: شستاکوویچ و استالینسم ۱۷۹

فصل ۲: موسیقی مجلسی شستاکوویچ ۱۹۵

فصل ۳: شستاکوویچ نوآور ۲۱۱

پیوست‌ها ۲۳۷

پیوست ۱: فهرست آثار ۲۳۹

پیوست ۲: ساختار سمفونی‌ها، کنسرتوها و آثار مجلسی ۲۵۱

پیوست ۳: اجراهای برگزیده ۲۵۷

منابع ۲۷۱

تصاویر ۲۷۷

نمایه‌ی اشخاص ۲۸۷

نمایه‌ی آثار شستاکوویچ ۲۹۵

فصل ۱

کودکی و نوجوانی

درآمد

دمیتری دمیتروی پویچ شستاکوویچ در ساعت پنج عصر ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۶ (بنا به تقویم قدیم روسی ۱۲ سپتامبر) در سن پترزبورگ پایتخت امپراتوری روسیه، متولد شد و در ۹ اوت ۱۹۷۵ در بیمارستان کرملین در مسکو درگذشت. همهی عمر عاشق زادگاهش، شهر پوشکین، داستایفسکی و چایکوفسکی بود. شهری که وقتی او هشت سال داشت در آستانهی جنگ جهانی اول نام آن را که طنین آلمانی داشت به پتروگراد تبدیل کردند، یک سال پس از انقلاب به جای آن مسکو را پایتخت خواندند، در ۲۶ ژانویهی ۱۹۲۴ پنج روز پس از مرگ لنین نامش را به لنینگراد تبدیل کردند، تا این که در جریان رژیم پاشی اتحاد جماهیر شوروی به دنبال یک همه پرسی در سپتامبر ۱۹۹۱ نخستین نام خود را بازیافت: سن پترزبورگ یا شهر پتر قدیس.

روسها در آغاز سدهی نوزدهم می گفتند: «مسکو قلب روسیه و سن پترزبورگ عقل آن است». بنای سن پترزبورگ در ساحل رود نوا به فرمان تزار پتر اول مشهور به پتر کبیر در بهار ۱۷۰۳ آغاز شد و تا ده سال بعد متأثر از معماری و شهرسازی اروپای غربی نمادی شد بر گذر روسیه از سدههای میانه به روزگار مدرن. تزار گفته بود که این شهر دریچه ای است به اروپا. شهر در ۱۷۱۵ پایتخت امپراتوری روسیه شد و از آن پس به سرعت توسعه یافت. گوگول نوشته بود: «پترزبورگ غلط ندارد، مثل آدمهای دقیق و وقت شناس

است. یک آلمانی تمام‌عیار است که به همه چیز با محاسبه‌گری دقت دارد. مسکو اما مثل روس اشراف‌زاده‌ی سالخورده‌ای است. پترزبورگ مسکو را به خاطر باخبری‌اش که همراه با کج‌سلیقگی است دست می‌اندازد. مسکو هم به‌نوبه‌ی خود پترزبورگ را قبول ندارد چرا که با زبان روسی آشنا نیست.. روسیه به مسکو نیاز دارد، اما پترزبورگ نیازمند روسیه است.^۱ سن پترزبورگ در مقابل مسکوی مقدس که ناقوس کلیساهای آن لحظه‌ای خاموش نمی‌شد. نشانه‌ی نوجویی و شیوه‌ی روسی روشن‌گری شد، شیوه‌ای که هرگز نتوانست از بار سنت‌ها و خرافه‌های کهن و از شرّ تأثیر دیرپای استبداد آسیایی بر زندگی اجتماعی و سیاسی خلاص شود. خواست‌های مدرن هم‌چون تظاهراتی در زندگی لایه‌های بالای جامعه، مفاهیمی گنگ در زندگی توده‌های زحمت‌کش و آرزویی دست‌نیافتنی در سر «ایتلی گنتسیا» یا روشن‌فکران روسی باقی ماندند. سن پترزبورگ در دهه‌ی ۱۸۲۰ صحنه‌ی قیام دکابریست‌ها و بعده انقلاب‌های ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ بود و در سده‌ی نوزدهم پس از آزادی سرفه یا دهقانان در ۱۸۶۱ زمینه‌ساز رشد سریع صنعتی روسیه شد. دانشگاه‌اش در ۱۸۱۹ ساخته شد و موزه‌ها، کتاب‌خانه‌ها، تئاترها، تالارهای اپرا و تالارهای کنسرت آن در جهان شهره‌اند. باری، شهری که باید نشانه‌ی نوظللی می‌بود با فرمان تزاری مستبد و خشن ساخته شد، در شعرهای پوشکین صحنه‌ی عشق‌های ناکام اشرافی، در داستان‌های گوگول مکان زندگی آدم‌های متوسط و ابله، در رمان‌های داستایفسکی با زیرزمین‌ها و کانال‌های غمگین‌اش فضای مهیب تنهایی آدم‌ها، رنج‌های درونی‌شان و نیز جای‌گاه جنایت و خشونت شد، تا سرانجام آندری بلی در رمان پترزبورگ آن را عرصه‌ی رویارویی نسل‌ها و تقابل اندیشه‌ها و باورها قرار داد.

روسیه در زمان تولد شستاکوویچ دستخوش دگرگونی عظیمی بود. تاز یک سال از انقلاب ۱۹۰۵ می‌گذشت و هنوز امواج نارضایتی و طغیان فرو

^۱ Orlando Figes, *Natasha's Dance, A Cultural History of Russia*, London, Penguin books, 2003, p. 157.

کودکی و نوجوانی ۵

تنشسته بود. خاطره‌ی یک شبیه‌ی خونین و کشتار ۹ ژانویه‌ی ۱۹۰۵ در سن پترزبورگ در یادها زنده بود. سلطنت تزاری مبانی کهن مشروعیت خود را نزد توده‌های مردم از کف داده بود و از احتمال رویدادهای انقلابی آینده در هراس بود. رژیم نیکلای دوم ناگزیر و از سر اکراه تن به اصلاحات می‌داد. در ۲۷ آوریل ۱۹۰۶ دوما‌ی دولتی در تالار تاج‌گذاری کاخ زمستانی با حضور تزار افتتاح شد. این نخستین مجلس مدرن روسی بود و در آن نمایندگان تمامی طبقات اصلی جامعه حضور داشتند. هر چند دوما چندان قدرت قانون‌گذاری نداشت اما خروش تعارض‌های طبقاتی، خواست‌های دمکراتیک و آرزوی حکومت قانون در آن بازمی‌تابید و می‌شد حدس زد در آینده‌ای نه چندان دور زمانی که حرکت‌های مخالف شدت گیرند نقش مجلس ملی بیش‌تر شود. از ۱۹۰۷ اصلاحات استولپین آغاز شد و پس از ترور او در ۱۹۱۱ کوکوتسوف اصلاحات مالی را ادامه داد، ولی این اصلاحات راه به جایی نمی‌بردند. قدرت حاکم متوجه نبود که کل نظام سیاسی یک‌سر مشروعیت خود را نزد توده‌های مردم از دست داده است. با آغاز جنگ جهانی اول بازی سرنوشت برای نظام تزاری شروع شد. وقتی جنگ تمام شد دیگر سلطنت رومانف وجود نداشت و حکومت به دست بالشویک‌ها افتاده بود. هم‌پای این دگرگونی‌های تاریخی، فرهنگ روسی و شیوه‌های بیان هنری دگرگون شدند. هنرمندان بزرگ و آیین‌های هنری مدرنیستی در روسیه پدید آمدند که موجب برخی از دستاوردهای هنری و نظری اصلی در دل جنبش مدرنیستی شدند که در اروپا تکوین می‌یافت. بدون هنرمندانی چون کاندینسکی و استراوینسکی مدرنیسم اروپایی ممکن نبود و معنا نداشت. سرانجام آرزوی پتر به شیوه‌ای ناسازگون و طنزآمیز در زمینه‌ی زندگی هنری و فرهنگی تحقق یافته بود. سن پترزبورگ با فرهنگ انقلابی و نوآور خود یکی از مراکز مهم فرهنگی جهان شده بود.

کودکی

بولسلاو شستاکوویچ (Szostakowicz) پدر بزرگ دمتری شستاکوویچ لهستانی بود و در نوجوانی نخست به لیتوانی و بعد به سبیری مهاجرت کرده

بود. او عقاید انقلابی داشت و چند بار هم به زندان افتاده بود که طولانی‌ترین آن‌ها پس از قتل الکساندر دوم و به جرم هم‌دستی در این ترور بود. پسرش دمیتری بولسلاواویچ (۱۹۲۲-۱۸۷۵) در دانشگاه سن پترزبورگ رشته‌ی مهندسی شیمی را در ۱۸۹۹ به پایان رساند و عضو گروه پژوهش‌گرانی بود که شیمی‌دان نامدار روس دمیتری مندلیف آن را پایه گذاشته بود. دمیتری در ۱۲ فوریه‌ی ۱۹۰۳ با سفیا واسیلیوا ککانولینا (۱۹۵۵-۱۸۷۸) که سبیریایی بود ازدواج کرد. نادردها خواهر کوچک‌تر سفیا عقاید انقلابی داشت و در جریان انقلاب ۱۹۰۵ به حزب سوسیال دمکرات روسیه پیوسته بود. نادردها پس از انقلاب ۱۹۱۷ اعتقادش به سوسیالیسم را از دست داد و در ۱۹۲۳ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و همان‌جا درگذشت.

دمیتری و سفیا آپارتمان وسیعی در خیابان نیکولفسکایا در سن پترزبورگ خریدند و دارای سه فرزند شدند. در ۱۲ نوامبر ۱۹۰۳ نخستین دخترشان ماریا به دنیا آمد که بعدها استاد پیانو شد. سه سال بعد تنها پسر خانواده متولد شد که مادرش می‌خواست نام او را بولسلاو بگذارد اما بنا به پیشنهاد کشیشی که نوزاد را غسل تعمید داد نام پدرش یعنی دمیتری را بر او گذاشتند و خویشان و دوستان او را «میتیا» می‌خواندند. پس از میتیا در ۲۴ اوت ۱۹۰۹ دختری به نام زویا به دنیا آمد که بعدها دام‌پزشک شد. پدر و مادر آدم‌های بافرهنگی بودند و در آپارتمان‌شان کتاب‌خانه‌ی بزرگی داشتند و عشق به هنر و موسیقی را به کودکان خود منتقل کردند. خانواده مرفه بود و در میان لایه‌های بالای طبقه‌ی متوسط جای داشت. کودکی میتیا در رفاه و آرامش گذشت، هر چند رنجور و بیمار بود.^۱ در چهار سالگی گرفتار سل لنفاوی شد و پروفیسور گرکف او را جراحی کرد و مدتی هم همراه مادرش به کریمه سفر کرد تا از سرمای سن پترزبورگ دور بماند. سل لنفاوی کم‌خطرتر از سل ریوی است و پسرک از مرگ نجات یافت. در پنج سالگی به دبستانی رفت

1. Solomon Volkov, *Testimony, The Memoirs of Dimitri Shostakovich*, tra. A. W. Bouis, London, Faber and Faber, 1981, p. 226.

از این‌جا به بعد در متن کتاب حاضر از این اثر با عنوان *خاطرات* یاد می‌کنم.

ویراست دوم ترس و تنهایی در حکم کتاب تازه‌ای است درباره‌ی زندگی و آثار دمیتري شستاکوویچ، یکی از بزرگان موسیقی سده‌ی بیستم. شستاکوویچ در جوانی متأثر از موسیقی فوتوریست‌ها آثار درخشانی چون «سمفونی اول» و «اپرای دماغ» را ساخت. سپس در دوران ظلمانی حکومت استالین روش بیان موسیقایی خود را یافت، اما به دلیل نوآوری‌های فرمالیستی‌اش مغضوب رژیم بود و بارها در خطر دستگیری و زندان قرار گرفت. پانزده سمفونی، کنسرتو برای پیانو، ویولن و ویولونسل، اپرا، آثار متعدد برای پیانو و قطعات موسیقی مجلسی او و به‌ویژه «پانزده کوارتت زهی» اش از جمله کارهای درخشانی هستند که در سده‌ی پیش‌مسیر تازه‌ای برای موسیقی گشودند. این کتاب از یک سو بررسی زندگی شستاکوویچ است که در ترس و تنهایی گذشت، و از سوی دیگر حاوی تأویل‌هایی است از آثار او.

از کتاب‌های بابک احمدی با نشر مرکز

امید باز یافته سینمای اندری تارکوفسکی
آواز زمین هشت جستار در تاریخ موسیقی
تصاویر دنیای خیالی
حقیقت و زیبایی
موسیقی‌شناسی فرهنگ تحلیلی مفاهیم
نوشته‌های پراکنده



ISBN: 978-964-213-389-5



9 789642 133895